

مروری بر رابطه فقر و فساد

فاطمه عزیزخانی*

ایمان پوستفروش تهرانی**

تاریخ دریافت ۸۷/۶/۲۶ | تاریخ پذیرش ۸۷/۸/۵

پژوهش‌های مختلف نشانگر آن است که میان فقر و فساد ارتباط نزدیکی وجود دارد. هدف از این مطالعه، بررسی این رابطه است. بر این اساس با تعریف فقر و فساد، تئوری‌های موجود و شواهد آماری سال‌های اخیر، رابطه شاخص‌های فساد با توسعه انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چرا که در کشورهای برخوردار از شاخص‌های فساد و حکمرانی مناسب، شاخص توسعه انسانی نیز بالاست به طوری که بیشتر کشورهای توسعه یافته، دارای چنین ویژگی هستند. در حالی که در کشورهای فقیر و در حال توسعه - که شاخص توسعه انسانی پایین است - شاخص‌های حکمرانی و فساد نیز وضعیت مناسبی ندارند. این، رابطه‌ای دوطرفه و تنگاتنگ میان فقر و فساد است. به این ترتیب توصیه می‌شود که برای موفقیت استراتژی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مقابله با فساد، به کاهش فقر توجه شود و همچنین در استراتژی‌های کاهش فقر، به مقابله با فساد نیز اهمیت داده شود. از آنجاکه در هر کشوری همواره این دو مشکل با شدت و ضعف‌های مختلف وجود دارد، عملاً لازم است که ترکیبی از این دو راهکار برای موفقیت به کار گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: فساد؛ فقر؛ توسعه انسانی

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* پژوهشگر گروه برنامه دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: fatemehazizkhani@gmail.com

** پژوهشگر گروه برنامه دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: imantehrani@gmail.com

مقدمه

فساد^۱ از قدیمی ترین معضلات جامعه بشری به شمار می آید که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و متفکران علوم مختلف بوده است. این معضل در اشکال مختلف نمایان شده و به تبع آن به پیکره سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور آسیب می رساند. از جمله این آسیب ها تأثیر فساد بر گسترش فقر و نارضایتی عمومی بر جامعه است. به یقین می توان گفت که از نظر فساد هیچ کشور پاکی در جهان وجود ندارد و در فهرست سازمان بین المللی شفافیت^۲ - که هر ساله کشورها را بر حسب میزان فساد رتبه بندی می کند - هیچ کشوری از قلم نمی افتد، مگر آنکه در این باره آماری از آن کشور وجود نداشته باشد. به این ترتیب، کشورهای مختلف با تلقی فساد به عنوان مسئله ای اجتناب ناپذیر، در پی آن بوده اند تا ساختار سیاسی و ترتیبات نهادی خود را به گونه ای برپا کنند که کمترین میزان فساد را داشته باشند. البته شواهد تجربی تاکنون نشان داده است که کشورهای توسعه یافته و دارای ساختار سیاسی - اقتصادی دمکراتیک رقابتی و ترتیبات نهادی انعقاد یافته تر، میزان فساد کمتری را تجربه کرده اند. (این مسئله در گزارش سالیانه سازمان شفافیت بین الملل، به خوبی نمایان است). همچنین با وجود اخلاقی تر بودن برخی از کشورها از جمله ایران، میزان فساد نیز در آن بالاست.^۳

در اینجا این سؤال مطرح می شود که آیا میان فقر و فساد ارتباط نزدیکی وجود دارد و آیا فقر عامل فساد است؟ یا فساد عامل فقر؟ در این مطالعه برای پاسخ به این پرسش ها، با تعریف فساد و فقر و بیان دلایل بروز این دو، به برخی از مطالعات انجام گرفته در این باره اشاره می شود و سپس براساس میزان شاخص های فساد، حکمرانی و توسعه انسانی در برخی از کشورها در سال های اخیر، روابط میان فقر و فساد بررسی شده و در نهایت با توجه به یافته های تحقیق، راهکارهایی برای بهبود وضعیت ارائه می شود. البته گفتنی است

۱. در این مطالعه منظور از فساد، فساد اقتصادی و مالی است.

2. Transparency International Organization (TIO)

۳. براساس آمار و اطلاعات موجود در گزارش سالیانه سازمان شفافیت بین الملل در سال های مختلف.

در این مقاله، هدف، اثبات وجود رابطه متقابل میان فقر و فساد نیست؛ بلکه با فرض پذیرش وجود این رابطه برخی از یافته‌های مطالعات انجام شده در این باره و شواهد آماری موجود و قابل دسترس در مورد رابطه میان فقر و فساد مرور می‌شود. سه گروه از کشورها برای این بررسی انتخاب شده‌اند: گروه کشورهای با توسعه انسانی بالا (ایسلند، سوئد، ژاپن، آمریکا، آلمان، قطر و عربستان سعودی)، گروه کشورهای با توسعه انسانی متوسط (اوکراین، ترکیه، ایران و آذربایجان) و کشورهای با توسعه انسانی ضعیف (چاد، نیجریه و عراق) که برای مقایسه همسان، آمار قابل دسترس سال ۲۰۰۵ میلادی استخراج شده است و براساس آمار و ارقام شاخص‌های فساد، حکمرانی و توسعه انسانی در سال مورد نظر، وضعیت این کشورها مورد مقایسه قرار گرفته است.

۱ تعریف و دامنه فساد

فساد اقتصادی یا مالی در سطوح مختلف از تعاریف گوناگونی برخوردار است. ساده‌ترین و مصطلح‌ترین تعریف فساد مالی، نقض قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است. در فرهنگ وبستر^۱ فساد به معنای «پاداش نامشروع برای وادار کردن فرد به تخلف از وظیفه» است. (معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶، ص ۴). بانک جهانی (۱۹۹۹) فساد را این گونه تعریف کرده است:

«فساد سوءاستفاده از منابع عمومی برای منافع شخصی است. بدیهی است همیشه سوءاستفاده از قدرت و امکان دولتی، صرفاً برای منافع شخصی نیست؛ بلکه می‌تواند در راستای تأمین منافع یک حزب و تفکر سیاسی خاص، طبقه خاص، دوستان یا فامیل خود باشد. فساد ممکن است سوءاستفاده یک‌جانبه در ادارات دولتی از جمله اختلاس، پارتی‌بازی و ... یا سوءاستفاده در روابط میان کارگزاران بخش‌های خصوصی و دولتی مانند رشوه، اخاذی، کلاهبرداری و تقلب، اعمال نفوذ به‌خصوص در مناقشه‌ها باشد. فساد معمولاً در تمام ادارات سیاسی و

بوروکراتیک به صورت کوچک یا بزرگ، سازمان‌دهی شده یا سازمان‌دهی نشده، می‌تواند وجود داشته باشد» (Chetwynd Eric, Frances Chetwynd, Bertam Spector, 2003, p. 6). از آنجا که فساد مبادله‌ای پنهانی و مخفی است؛ بنابراین اندازه‌گیری و مشاهده آن مشکل خواهد بود. اما برخی از سازمان‌ها و نهادها از جمله بانک جهانی، سازمان شفافیت بین‌الملل و بنیاد پرایز واترهاوس کوپر^۱ در تلاش‌اند تا شاخص‌های فساد را محاسبه کنند و در تمام این موارد یافته‌ها براساس نظرخواهی از شهروندان، کاسبان و اندیشمندان بوده و نتایج به‌دست آمده بیشتر براساس ادراک است که البته به‌نوبه خود قابل اطمینان بوده و اعتبار محاسبات آنها در طول زمان مورد تأیید بسیاری از مراجع قرار گرفته است (معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶، ص ۶).

۱-۱ رویکردهای فساد

فساد مالی یک بیماری حاد اقتصادی و اجتماعی است که در صورت عدم درمان به‌موقع و ریشه‌ای، تمام جامعه را در مدت زمان کوتاهی دربر گرفته و به هلاکت می‌رساند. فساد مالی و اقتصادی براساس شش رویکرد ذیل قابل تبیین است:

۱-۱-۱ رویکرد هزینه - فایده

این رویکرد بر این ایده مبتنی است که افراد در هر پست و مقامی، همواره کنش‌های خود را بر مبنای هزینه - فایده تحلیل می‌کنند و اصولاً زمانی به اقدامی فاسد دست می‌زنند که منافع حاصل از آن بر هزینه‌هایش بچربد. در این رویکرد، آنچه میزان تقاضا برای فساد را تعیین می‌کند، قیمت نسبی آن است. به بیان دیگر هرچه ارتکاب فساد کم‌هزینه‌تر باشد، احتمال انجام آن افزایش می‌یابد.

۱-۱-۲ رویکرد محرومیت نسبی

از دیدگاه این رویکرد، فساد اقتصادی واکنش افرادی است که احساس می‌کنند منافع و

ترجیحاتشان، آن گونه که مورد انتظار است، پوشش داده نمی‌شود. این افراد در تلاش‌اند تا از فرایندهای سیاسی پذیرفته شده عدول و از نقاط ضعف آن به نفع خود بهره‌برداری کنند. چرا که احساس هرگونه نابرابری و محرومیت غیرمنطقی و مبتنی بر ملاحظات سیاسی، قومی، زبانی و ایدئولوژیکی، توجیهی برای بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز اخلاقی و فرصت‌طلبانه از جانب آنهايي خواهد بود که مشمول نابرابری و محرومیت ناروا قرار می‌گیرند.

۳-۱-۱ رویکرد رانت‌جویی

با سیاسی شدن تخصیص منابع و محدودیت در منابع به وسیله دولت، فرصت‌های استخراج رانت برای سیاست‌مداران، مجریان و مردم فراهم می‌شود و فساد اقتصادی روشی است برای دستیابی به این فرصت‌های رانتی. در این میان، قواعد، مقررات و فرایندهای مربوط به عرضه کالاها و خدمات عمومی در ایجاد محدودیت در منابع به وسیله کارمندان دولت و دریافت رشوه از جانب آنان، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

۴-۱-۱ رویکرد کارفرما - غیرکارگزار

در این رویکرد، فساد اقتصادی ناشی از آن است که محتوای قرارداد کارگزاری میان سیاست‌مداران (کارفرما) و مجریان برنامه‌ها و سیاست‌های آنها (کارگزاران) درخصوص تأمین منافع عمومی، مشمول تفسیر و بهره‌برداری شخصی کارگزاران می‌شود. درواقع کارمندی که به قرارداد کارفرما - کارگزار میان خود و سیاست‌مداران (یا به‌طور غیرمستقیم مردم) ملزم شده است، از اختیار عمومی تفویض شده در راستای انتفاع شخصی، بهره‌برداری می‌کند. به عبارتی هر زمان که تصمیم‌گیری‌ها راجع به تخصیص منابع تفویض شوند، امکان بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز وجود خواهد داشت.

۵-۱-۱ رویکرد حامی - پیرو (رهبر - پیرو)

در این رویکرد، ساختار قدرت سیاسی به فساد اقتصادی دامن می‌زند. کارمندانی که تحت

حمایت سیاستمداران و گروه‌های ذی‌نفوذ در قدرت سیاسی، فعالیت می‌کنند؛ مجبورند به‌جای خدمت به کل جامعه از امکانات و اختیارات خود برای خوش‌خدمتی به سیاستمداران یا جناح‌های ذی‌نفوذ در قدرت، بهره‌برداری کنند. بنابراین تخصیص منابع و عرضه کالاها و خدمات دولتی، براساس روابط سیاسی و ملاحظات خاص انجام می‌گیرد.

۱-۱-۶ رویکرد اخلاقی

در این رویکرد، فساد هنگامی اتفاق می‌افتد که کارگزاران دولتی نسبت به اختیار عمومی و بیت‌المال، امانتدار و درستکار نباشند. افراد، محور این رویکرد هستند و نظامی که براساس آن برپا می‌شود، نظام مبتنی بر افراد است و نه مبتنی بر قاعده و قانون. در این رویکرد، راهبردهای مبارزه با فساد همواره در برابر مصلحت‌اندیشی‌های گروهی و جناحی آسیب‌پذیر بوده و اثربخشی لازم را نخواهد داشت (خضری، ۱۳۸۴).

۱-۲ علل ایجاد فساد

عوامل متعددی به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در ایجاد و گسترش فساد دخیل هستند. از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۲-۱ وجود دولت‌های ناکارآمد^۱

بیشتر کشورهای جهان سوم یا عقب‌مانده، با شدت و ضعف متفاوت در رده دولت‌های ناکارآمد قرار دارند. از جمله مشخصه‌های دولت‌های ناکارآمد، فقدان یا ضعف نظم و انضباط اجتماعی است که به دنبال آن مواردی همچون انحصار قدرت و سوءاستفاده صاحبان قدرت، عدم نظارت بر رفتار حکام با توده مردم، فرار مالیاتی، توزیع ناعادلانه درآمد، عدم شفافیت و پاسخ‌گویی در نظام حکومتی، عدم شفافیت در تخصیص منابع و

۱. معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، «فساد، تبعیض و فقر موانع اساسی توسعه در ایران»، گزارش راهبردی، آذر ۱۳۸۶، سال دوم، شماره ۴۳، ص ۷.

نظام بودجه‌ریزی و فقدان قوانین و مقررات شفاف، رخ خواهد داد که تمام این موارد اتلاف منابع، کاهش کارایی و فساد مالی را موجب می‌شود.

۱-۲-۲ ضعف حاکمیت شایسته‌سالاری^۱

یکی از چالش‌های جدی کشورهای عقب‌مانده، بی‌توجهی به عنصر قابلیت و شایستگی افراد جامعه است. عدم حضور نیروهای متخصص و لایق در بخش‌های مختلف، منجر به ناکارآمدی و عدم شفافیت در فعالیت‌های آن بخش می‌انجامد و به تبع آن بستر بروز فساد گسترش می‌یابد.

۱-۲-۳ فقر و کمبود درآمد

از جمله دلایل اصلی فساد، فقر و درآمد ناکافی است. زیرا احتمال اینکه افراد نیازمند، اصول و معیارهای اخلاقی را زیر پا بگذارند، بیشتر خواهد بود.

۱-۲-۴ عوامل فرهنگی و اخلاقی

گسترش فرهنگ قدرت‌طلبی، جاه‌طلبی، قانون‌گریزی، ضعف وجدان کاری و انضباط اجتماعی و کاهش پایبندی به اصول اخلاقی و مذهبی، می‌تواند از جمله عوامل دیگر ایجاد فساد باشد.

۲ تعریف فقر^۲

فقر پدیده پیچیده‌ای است که معمولاً برحسب درآمد تعریف شده و براساس تولید ناخالص داخلی سرانه، اندازه‌گیری می‌شود. خط فقر بر مبنای درآمد کمتر از یک دلار برای هر نفر در هر روز یا برابری قدرت خرید^۳ تعریف می‌شود. برخی محققان فقر را حداقل درآمد

۱. معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، مکانیسم تأثیرگذاری فساد بر توسعه اقتصادی، بهمن ۱۳۸۶، ص ۱۵.

2. Poverty

3. Purchasing Power Parity (PPP)

مورد نیاز افراد تحت بررسی تعریف می کنند. منتقدان می گویند اندازه گیری براساس تولید ناخالص داخلی^۱ یا برابری قدرت خرید، تمام فقر را بیان نمی کند، به این ترتیب تعریف دیگری از فقر ارائه می شود که شامل فاکتورهای ذیل است:

۱. کمبود درآمد،

۲. کاهش سطح سواد و سلامتی،

۳. آسیب پذیری (از دست دادن درآمد و سلامتی، فاجعه یا مصیبت های ناگهانی، جرم و خشونت، کاهش آموزش)،

۴. کاهش قدرت و حق اظهار نظر (احساس تبعیض، کمبود درآمد قابل وصول، بدرفتاری به وسیله ارگان های دولتی و کمبود قوانین لازم).

البته سایر فاکتورها از جمله میزان جذب کالری، نرخ باسوادی زنان و ... هم مورد بررسی قرار می گیرد. با وجود این به نظر می رسد اندازه گیری فقر براساس سطح درآمد، از به کارگیری سایر فاکتورهای پیچیده، ساده تر است. (Chetwynd Eric, Frances) (Chetwynd and Bertam Spector) محققان در سامان دهی این پیچیدگی، شاخص توسعه انسانی^۲ را تعریف کرده اند. این شاخص از سال ۱۹۹۰، همه ساله در گزارش توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل،^۳ محاسبه و منتشر می شود و با وجود اینکه در محاسبه این شاخص، عواملی مانند امید به زندگی، نرخ باسوادی، سطح معیشت استاندارد و قدرت خرید افراد در نظر گرفته شده؛ اما فاکتورهای مهمی از جمله جنسیت، نابرابری درآمدی، حقوق انسانی و آزادی های سیاسی نادیده گرفته شده است.

۳ رابطه میان فقر و فساد

بیشتر تحقیقاتی که تاکنون انجام شده است رابطه مستقیمی را میان فقر و فساد نشان می دهد.

1. Gross Domestic Product (GDP)

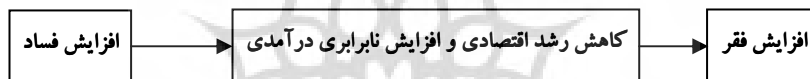
2. Human Development Indicator (HDI)

3. United National Development Programme (UNDP)

البته فساد به تنهایی منجر به فقر نمی‌شود، بلکه به‌طور مستقیم بر اقتصاد و فاکتورهای حکومتی اثر گذاشته و به‌این ترتیب با وجود واسطه منجر به ایجاد فقر می‌شود. تحقیقات در این باره دو مدل ذیل را در برمی‌گیرد (Ibid., pp. 7-8).

۱-۳ مدل اقتصادی^۱

این مدل نشانگر آن است که فساد با تأثیر بر عوامل رشد اقتصادی، بر فقر اثر می‌گذارد. یعنی فساد با کاهش سرمایه‌گذاری اقتصادی و انحراف بازار، مانع رقابتی شدن بازار شده و این امر، ناکارآمدی و ناکارایی اقتصادی را به دنبال دارد. به‌این ترتیب، هزینه‌های فعالیت اقتصادی افزایش یافته و نابرابری درآمدی گسترش می‌یابد. براساس شکل ذیل می‌توان گفت:^۲



همچنین رابطه میان فساد و رشد اقتصادی نیز بسیار پیچیده است. در تئوری‌های

اقتصادی، فساد از راه‌های مختلف به کاهش رشد اقتصادی می‌انجامد. از جمله:

۱. فساد منجر به عدم تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی می‌شود. زیرا فعالیت‌های رانتی به افزایش هزینه‌ها و عدم شفافیت انجامیده و در نتیجه انگیزه سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش می‌یابد.
۲. فساد نوعی مالیات برای کارآفرین است. کارآفرینان و نوآوران برای اخذ مجوز کسب و کار مجبور به پرداخت رشوه هستند؛ از این رو سود حاشیه‌ای آنها کاهش می‌یابد.
۳. فساد به انحراف سرمایه‌های عمومی برای مقاصد شخصی منجر شده و فعالیت‌های رانت‌جویانه را گسترش می‌دهد.

1. Economic Model

۲. در این بخش، هدف بررسی نحوه اثرگذاری فساد بر فقر بوده و مطالب عیناً ترجمه شده از این مقاله فوق است.

۴. فعالیت‌هایی که به گونه غیررسمی و رانتهی عمل می‌کنند، مالیات نمی‌پردازند، بنابراین درآمد مالیاتی کاهش می‌یابد.

۵. فساد، استعدادهای را از فعالیت‌های مولد به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق می‌دهد.

۶. فساد، مخارج عمومی را از سرمایه‌گذاری در اموری مثل آموزش و بهداشت به سمت امور رانتهی می‌برد.

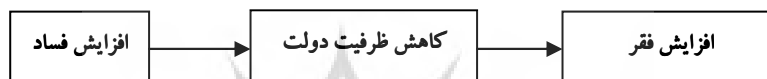
مارو (Mauro, 2002) در مطالعه خود از ترکیب دو شاخص فساد و رگرسیون چندمتغیره در نمونه‌ای از ۱۰۶ کشور استفاده کرده و نشان می‌دهد که سطح بالای فساد با کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش تولید ناخالص داخلی و کاهش رشد سرانه تولید ناخالص داخلی همراه است. محقق در این مطالعه نشان می‌دهد که اگر شاخص فساد یک کشور از ۶ به ۸ (از ۱۰ مقیاس) بهبود یابد؛ به افزایش ۴ درصدی نرخ سرمایه‌گذاری سالیانه منجر شده و تولید ناخالص داخلی ۱/۵ درصد رشد خواهد داشت.

به دنبال آن دلار^۱ و کرای^۲ از محققان بانک جهانی در مطالعه خود از هشتاد کشور برای چهار دهه نشان می‌دهند که اگر درآمد بیست درصد از پایین‌ترین جمعیت از نظر درآمدی بالا رود، به طور متناسب تولید ناخالص داخلی سرانه نیز افزایش می‌یابد و همچنین یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی، باعث یک درصد افزایش درآمد فقرا می‌شود. همچنین راولین^۳ و چن^۴، ۶۵ کشور توسعه‌یافته را در سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۸۱ مورد مطالعه قرار می‌دهند. آنها درمی‌یابند که تعداد افراد زیر خط فقر در هر روز در کشورهایی که رشد اقتصادی مثبت داشته‌اند، کاهش یافته است. در این مطالعه، نابرابری درآمدی با رشد اقتصادی، رابطه مثبت یا منفی ندارد (Easterly William, 2001). اما افزایش درآمد با رشد اقتصادی، رابطه مثبتی دارد. البته این نشانگر آن است که رشد اقتصادی لزوماً به توزیع عادلانه درآمد منجر نمی‌شود؛ اما این افزایش درآمد ممکن است به نفع فقرا باشد و آنها را از خط فقر خارج کند.

1. Dollar
2. Krayy
3. Ravallion
4. Chen

۲-۳ مدل حکومتی^۱

در این مدل، فساد با تأثیر بر عوامل حکومتی، بر فقر اثر می‌گذارد. برای مثال، فساد سرمایه‌های نهادی دولتی را که برای ارائه خدمات عمومی با کیفیت است، از میان می‌برد و سرمایه عمومی را از نیازهای اصلی و عمومی به پروژه‌های سرمایه‌ای (جاهایی که امکان رشوه وجود دارد) منحرف می‌سازد که از نظر ایمنی کار و بهداشت، مقبولیت اجتماعی کمتری دارند و فشارهای بودجه‌ای دولت افزایش می‌یابد بنابراین فساد با ایجاد چالش‌های جدی در فعالیت‌های دولت، بر فقر تأثیر گذار خواهد بود (Chetwynd Eric and etal, 2003).



کافمن (Kaufman, 1999)، حکومت را این گونه تعریف می‌کند:

سنت‌ها و نهادهایی که اقتدارشان را در یک کشور اعمال می‌کنند که این شامل موارد

ذیل است:

۱. فرایندی که به وسیله دولت انتخاب، کنترل و جایگزین می‌شود.
۲. ظرفیت‌هایی که دولت برای تدوین و اجرای مؤثر سیاست‌های مطلوب به کار می‌گیرد.
۳. احترام شهروندان و دولت به مؤسساتی که هدایت اقتصادی و اجتماعی این دو را برعهده دارند.

فساد، عملکرد دولت را خراب کرده و باعث کم شدن خدمات ارائه شده از جانب دولت می‌شود و با تضعیف دولت، احترام به قانون، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد و این امر وجوه لازم را برای حمایت از رشد برنامه‌های اقتصادی کاهش می‌دهد. بنابراین از توانایی و ظرفیت دولت برای کمک به شهروندان و افراد فقیر کاسته می‌شود.

کافمن (۱۹۹۹) در مطالعه خود، تأثیر حکمرانی را بر درآمد سرانه در ۱۷۳ کشور

مورد بررسی قرار می‌دهد. در این تحقیق، کنترل فساد به‌عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب شناخته شده است. داده‌هایی از ۳۰۰ شاخص حکمرانی در مطالعه‌ای مقطعی در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۷ مورد استفاده قرار گرفته و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که میان بهبود حکمرانی و افزایش درآمد سرانه ارتباط مثبتی وجود دارد. به‌طوری‌که با یک انحراف معیار بهبود در شاخص حکمرانی، درآمد سرانه از ۲/۵ تا ۴ برابر افزایش داشته است. البته این مطالعه در سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰ نیز با همین نتیجه، انجام شد.

همچنین در تحقیقی که از ۵۴ کشور دارای برنامه‌های استراتژی کاهش فقر^۱ به‌عمل آمد، این نتیجه حاصل شد که میان فقرزدایی و حکمرانی خوب رابطه نزدیکی برقرار است و استراتژی مقابله با فساد، بدون استثنا در تمام برنامه‌های فقرزدایی وجود دارد. به‌طور کلی ۹۰ درصد کشورهایی که برنامه‌های استراتژی کاهش فقر را به‌طور کامل اجرا می‌کنند، مقابله با فساد را در استراتژی‌های خود دارند (Eberlei, 2004).

بنابراین می‌توان گفت فساد اقتصادی، انتقال مالی صرف و در واقع نوعی بازتوزیع ثروت از فرد (یا گروهی) به فرد (یا گروه) دیگری در جامعه است و قاعدتاً توزیع ثروت را برهم می‌زند و کل تولید ناخالص داخلی را بدون تغییر می‌گذارد و بروندادهای منفی آن برای جامعه، به‌ویژه در بلندمدت، بسیار مخاطره‌آمیز خواهند بود. مطالعات اقتصادسنجی با استفاده از شاخص‌های ذهنی فساد، نشان داده‌اند که فساد بر توسعه اقتصادی تأثیر منفی داشته و محیطی را ایجاد می‌کند که می‌تواند به سقوط رژیم‌های سیاسی بیانجامد. همچنین این پدیده می‌تواند بر تدارک خدمات اجتماعی اثر منفی بگذارد. ادبیات نظری، سه مجرا را مشخص می‌کند که این امر به‌وسیله آنها روی می‌دهد: اول آنکه فساد، قیمت خدمات اجتماعی را افزایش و سطح عرضه آنها را کاهش می‌دهد، دوم آنکه فساد می‌تواند سرمایه‌گذاری را در سرمایه انسانی کاهش دهد و سوم آنکه فساد، از عایدی دولت می‌کاهد. این امر به‌نوبه خود می‌تواند کیفیت خدمات عمومی را پایین بیاورد. هنگامی که

1. Poverty Reduction Strategy Papers (PRSP).

دولت قادر به عرضه خدمات باکیفیت نباشد، مردم به پرداخت مالیات تمایلی نداشته و در نتیجه پدیده‌هایی مانند فرار و اجتناب از مالیات، امکان بروز می‌یابند. این رفتارها از یک سو به ناعادلانه شدن توزیع درآمد و از سوی دیگر به کاهش خدمات دولتی باکیفیت می‌انجامد و هر دو این نارسایی‌ها باعث نارضایتی عمومی می‌شوند (خضری، ۱۳۸۴، ص ۵۱۵).

«فساد، مناسبات دولت و مردم را در جامعه به شدت تخصمی و تقابل طلبانه می‌کند. دولتی که عناصری از آن فاسد و رشوه‌ستانند، می‌کوشد حقایق از دید مردم پوشیده بماند و مردمی که به هر حال از آن واقعیت‌ها باخبر می‌شوند، بیشتر و بیشتر به حکومت بی‌اعتماد می‌شوند. بی‌اعتمادی مردم به حکومت، مشروعیت آن را کاهش می‌دهد و در نتیجه توان دولت در پیش بردن سیاست‌ها را به شدت تضعیف می‌کند.» (سیف، ۱۳۷۶، ص ۵۵).

فساد، نوعی رفتار کج‌منشانه (مخاطره‌آمیز اخلاقی)^۱ و نیز بهره‌برداری انفرادی از اختیار عمومی (یعنی سواری مجانی گرفتن)^۲ است. بنابراین چگالی (گستره و شدت) آن، ذخیره سرمایه اجتماعی را تحلیل می‌برد و از انباشت آن ممانعت می‌کند. فرسایش تدریجی سرمایه اجتماعی در جامعه، تصمیمات جمعی را پرهزینه و وفاق ملی را در آن دشوار و چه بسا غیرممکن می‌سازد. همچنین فساد، بنا به تعریف، قواعد بازی جامعه (نهادهای) را برهم می‌زند و این امر به گسترش هزینه‌های معاملاتی^۳ می‌انجامد. گستردگی هزینه‌های معاملاتی در هر جامعه، سرمایه‌گذاری، تولید و کارآفرینی را فاقد مزیت، و اقتصاد را زمین‌گیر خواهد کرد (خضری، ۱۳۸۴، ص ۵۱۶).

۴ میزان فقر و فساد در سال‌های اخیر

۴-۱ شاخص ادراک فساد^۴

هدف از این شاخص، اندازه‌گیری میزان ادراک فساد، در کشورهاست. شاخص ادراک

1. Moral Hazards
2. Free Riding
3. Transaction Costs
4. Corruption Perceptions Index (CPI)

فساد، شاخص پیچیده‌ای است و درعین حال، یکی از شاخص‌های رایج در تحقیقات و مطالعات مربوط به فساد اقتصادی بوده که از جامعیت بالایی برخوردار است؛ چرا که در محاسبه آن، جنبه‌های مختلف فساد - که از منابع مختلفی جمع آوری می‌شوند - مدنظر قرار می‌گیرند. برای تهیه این شاخص در سال ۲۰۰۶، ۱۴ منبع و ۱۲ مؤسسه غیروابسته، درگیر بوده‌اند.^۱ شاخص ادراک فساد در سال ۲۰۰۶ برای ۱۶۳ کشور و در سال ۲۰۰۷ برای ۱۸۰ کشور به دست آمده است. میزان این شاخص برای مقایسه همسان با سایر شاخص‌ها در دو سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ برای کشورهای منتخب در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱ شاخص ادراک فساد در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶

رتبه در سال ۲۰۰۶	شاخص ادراک فساد سال ۲۰۰۶	رتبه در سال ۲۰۰۵	شاخص ادراک فساد سال ۲۰۰۵	کشور	ردیف
۱	۹/۶	۱	۹/۷	ایسلند	۱
۶	۹/۲	۶	۹/۲	سوئد	۲
۱۷	۷/۶	۲۱	۷/۳	ژاپن	۳
۲۰	۷/۳	۱۷	۷/۶	آمریکا	۴
۱۶	۸	۱۶	۸/۲	آلمان	۵
۳۲	۶	۳۲	۵/۹	قطر	۶
۷۰	۳/۳	۷۰	۳/۴	عربستان سعودی	۷
۹۹	۲/۸	۱۰۷	۲/۶	اوکراین	۸
۶۰	۳/۸	۶۵	۳/۵	ترکیه	۹
۱۰۵	۲/۷	۸۸	۲/۹	ایران	۱۰
۱۳۰	۲/۴	۱۳۷	۲/۲	آذربایجان	۱۱
۱۵۶	۲	۱۵۸	۱/۷	چاد	۱۲
۱۴۲	۲/۲	۱۵۲	۱/۹	نیجریه	۱۳
۱۶۰	۱/۹	۱۳۷	۲/۲	عراق	۱۴

Source: Transparency International Organization

1. Transparency International, Corruption Perception Index (CPI), Analysis Report 2006 and 2007.

میزان این شاخص بین صفر تا ۱۰ متغیر است که هرچه به ۱۰ نزدیک تر باشد، میزان دریافت رشوه کمتری را نشان می‌دهد. نمره ۱۰ به کشوری مربوط است که در آن فساد وجود ندارد و نمره صفر کشوری با بیشترین حد فساد را نشان می‌دهد. این شاخص نشانگر طرف عرضه فساد بوده؛ چرا که مبتنی بر ذهنیت و تصور افراد از فساد است. به این ترتیب، کشورهای ایسلند و سوئد از بهترین وضعیت در این دو سال برخوردارند و از طرفی کشورهای چاد، نیجریه و عراق، وضعیت مناسبی نداشته و ایران در این دو سال از رتبه ۸۸ به ۱۰۵ تنزل یافته است.

۲-۴ شاخص پرداخت رشوه^۱

از آنجا که شاخص ادراک فساد برای ارزیابی واقعی میزان فساد کافی نیست، شاخص دیگری با عنوان شاخص نسبت (پرداخت) رشوه معرفی شده است. این شاخص طرف عرضه رشوه را نشان می‌دهد و سی کشور را براساس پرسش درباره تمایل شرکت‌های خارجی به پرداخت رشوه در کشوری که فعالیت می‌کنند و هنگامی که در فعالیت خود به موانع برخورد می‌کنند، رتبه‌بندی می‌کند. شاخص پرداخت رشوه در سال ۲۰۰۶ از پاسخ تعداد ۱۱۲۳۲ فعال اقتصادی نتیجه‌گیری شده است.^۲ نتایج این شاخص برای سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ در جدول ۲ درج شده است.^۳

این شاخص، طرف تقاضای فساد را نشان می‌دهد و تمایل و گرایش فعالان تجاری و اقتصادی به پرداخت رشوه است. نسبت مذکور از تقسیم میزان رشوه پرداخت شده به درآمد حاصله، حسب مورد در مقیاس خرد یا کلان به دست می‌آید. این شاخص از صفر تا ۱۰ متغیر است که هرچه به ۱۰ نزدیک تر باشد، بهتر است. به عبارتی براساس شاخص

1. Bribe Payers Index (BPI)

2. Transparency International Bribe Payers Index (BPI) 2006, Analysis Report, p. 3.

۳. اطلاعات مورد نیاز برای سال ۲۰۰۵ در دسترس نبوده و برای سایر کشورهای منتخب (ایران، آذربایجان، چاد،

نیجریه، قطر و عراق) برای سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ اطلاعاتی موجود نیست.

بالا تر کشور سوئد از کمترین میزان پرداخت رشوه و در کشورهایی مانند عربستان سعودی و ترکیه بیشترین میزان پرداخت رشوه برقرار است. کشورهایی همچون آمریکا و ژاپن از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ وضعیت بهتری یافته‌اند.

جدول ۲ شاخص پرداخت رشوه در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶

رتبه در	شاخص پرداخت	رتبه در	شاخص پرداخت	کشور	ردیف
۲	۸/۴	۲	۷/۶۲	سوئد	۱
۹	۶/۳	۷	۷/۳۴	آلمان	۲
۱۳	۵/۳	۱۰	۷/۲۲	آمریکا	۳
۱۳	۵/۳	۱۱	۷/۱۰	ژاپن	۴
*	*	۲۲	۵/۷۵	عربستان سعودی	۵
*	*	۲۷	۵/۲۳	ترکیه	۶

Source: Ibid.

* اطلاعات موجود نیست.

۳-۴ شاخص‌های حکمرانی^۱

در مطالعه کافمن و کرای (Kaufmann, Kraay, Massimo Mastruzzi, 2007) شاخص‌های حکمرانی با محاسبه ۶ شاخص حکومت‌داری در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ از ۲۱۲ کشور مورد مطالعه، اندازه‌گیری شده است. از جمله این شاخص‌ها عبارت‌اند از: پاسخ‌گویی و حق اظهارنظر، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارآمدی حکومتی، کیفیت قوانین، نقش قانون و کنترل فساد. این شاخص‌ها انعکاسی از نظرات بخش‌های عمومی و خصوصی، مؤسسات تخصصی غیردولتی، هزاران شهروند و بنگاه‌های اقتصادی در مورد عملکرد حکومت است. در جدول شماره ۳ برای برخی کشورهای منتخب مقدار این شاخص‌ها بیان شده است.^۲

1. Worldwide Governance Indicators (WGI)

۲. مجموعه شاخص‌های اندازه‌گیری جنبه‌های گوناگون حکمرانی، ترتیبی‌اند، یعنی دارای عنصری کیفی یا ذهنی هستند، با وجود این، داده‌ها معتبرند. در درجه اول، در مورد جنبه‌هایی از حکمرانی، این داده‌ها، تنها نوع داده‌های در ←

کشورهای سوئد، ایسلند، آمریکا، ژاپن و آلمان در شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، وضعیت بهتری دارند و سایر کشورها از جمله ایران، عراق، آذربایجان و چاد در این شاخص وضع مساعدی نداشته و حتی ایران از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ در این باره وضعیت بدتری یافته است.

از نظر شاخص ثبات سیاسی، کشورهای ایسلند، سوئد، ژاپن، آلمان، آمریکا و قطر وضع مناسبی داشته و وضعیت سایر کشورهای منتخب مناسب نبوده و حتی کشورهای عراق، ایران، چاد و نیجریه در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ در این باره وضعیت بدتری یافته‌اند.

از نظر شاخص کارآمدی دولت، کشورهای ایسلند، سوئد، آلمان، آمریکا، ژاپن و قطر وضع مناسبی داشته و وضعیت کشورهای ایران، آذربایجان، چاد، نیجریه و عراق مطلوب نیست. از نظر شاخص کیفیت قوانین نیز کشور ایسلند، سوئد، آلمان، آمریکا و ژاپن وضع مساعدی داشته اما ایران، چاد، نیجریه و عراق در این شاخص در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ وضعیت بدتری یافته‌اند.

از نظر شاخص نقش قانون، کشورهای ایسلند، سوئد، آلمان، آمریکا، ژاپن، قطر و عربستان دارای وضعیت مطلوب بوده و کشورهای عراق، ایران، چاد و نیجریه، وضعیت مساعدی ندارند. در این شاخص، وضعیت ایران، چاد، نیجریه و عراق در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ بدتر شده است.

از نظر شاخص کنترل فساد، کشورهای ایسلند، سوئد، آمریکا، ژاپن و عربستان سعودی وضعیت مطلوبی داشته و کشورهای ایران، چاد، نیجریه و عراق چندان موفق عمل نکرده‌اند.

→ دسترس هستند (اکنون این امکان وجود دارد که «اختلال» را از «سیگنال» تفکیک کنیم). تقریباً با توجه به تعریف، به دست آوردن داده‌های سخت (رقمی - عددی) در قالبی نظام‌یافته، تاکنون عملاً امکان‌پذیر نبوده است و برای معدودی از ابعاد حکمرانی - که این قبیل داده‌های عددی موجود است - با دامنه خطای گسترده یا مشکلات روش‌شناختی همراه است. در درجه دوم، برای بسیاری از جنبه‌های حکمرانی، نتایج بررسی و نظرسنجی (حتی در حالتی که متضمن ذهنیت پاسخ‌دهندگان باشند) دست کم به اندازه داده‌های رسمی، اهمیت دارند. برای مثال، اگر بخش کسب و کار یک کشور، نظام قضایی را بازوی دولت می‌داند و از مراجعه به دادگاه‌ها پرهیز می‌کند، باید در مورد تصمیم به سرمایه‌گذاری فکر دیگری کند.

جدول ۳ شاخص‌های حکمرانی در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۶ در برخی از کشورها

شاخص	ردیف	کشور	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی	۱	ایسلند	۱/۴۸	۱/۵۵	۱/۶۴	۱/۶۱	۱/۴۷
	۲	سوئد	۱/۵۲	۱/۵۴	۱/۷۶	۱/۵۹	۱/۵۵
	۳	ژاپن	۰/۹۹	۱/۰۲	۱	۰/۹۸	۰/۹۱
	۴	آمریکا	۱/۳۵	۱/۲۴	۱/۲۸	۱/۲۶	۱/۰۸
	۵	آلمان	۱/۴۴	۱/۴۶	۱/۵۶	۱/۵۶	۱/۴۸
	۶	قطر	-۰/۶۵	-۰/۶۸	۰/۴۷	-۰/۴۰	-۰/۵۱
	۷	عربستان سعودی	-۱/۶۱	-۱/۶	-۱/۳۸	-۱/۳۳	-۱/۴۲
	۸	اوکراین	-۰/۵۷	-۰/۶۶	-۰/۶۱	-۰/۳۶	-۰/۱۱
	۹	ترکیه	-۰/۲۶	-۰/۱۴	-۰/۰۹	-۰/۰۶	-۰/۱۹
	۱۰	ایران	-۱/۱۱	-۱/۲۸	-۱/۲۳	-۱/۲۴	-۱/۳۳
	۱۱	آذربایجان	-۰/۸۲	-۰/۸۷	-۰/۸۵	-۱/۰۳	-۱/۱۴
	۱۲	چاد	-۰/۹۱	-۱/۰۵	-۱/۱۵	-۱/۴۴	-۱/۳۹
	۱۳	نیجریه	-۰/۷۵	-۰/۷۷	-۰/۸۸	-۰/۷۹	-۰/۷۸
	۱۴	عراق	-۱/۵۴	-۱/۴۵	-۱/۷۶	-۱/۶۶	-۲/۰۸
ثبات سیاسی	۱	ایسلند	۱/۵۴	۱/۶۹	۱/۶۸	۱/۶۵	۱/۶۰
	۲	سوئد	۱/۳۱	۱/۴۶	۱/۳۱	۱/۲۰	۱/۱۳
	۳	ژاپن	۱/۱۷	۱/۱۷	۱/۰۴	۱/۰۱	۱/۱۱
	۴	آمریکا	۰/۳	۰/۲۹	۰/۱۲	۰/۰۴	۰/۳۱
	۵	آلمان	۱/۰۴	۰/۷	۰/۶۹	۰/۸	۰/۸۳
	۶	قطر	۰/۶۷	۱	۰/۹۱	۰/۷۴	۰/۸۶
	۷	عربستان سعودی	-۰/۴۷	-۰/۴۲	-۱/۰۸	-۰/۷۱	-۰/۶۵
	۸	اوکراین	-۰/۲۰	-۰/۳۱	-۰/۳۹	-۰/۳۷	-۰/۲۷
	۹	ترکیه	-۱/۰۱	-۰/۸	-۰/۸۷	-۰/۵۷	-۰/۶۵
	۱۰	ایران	-۰/۸۲	-۱/۰۶	-۱/۰۸	-۱/۱۵	-۱/۲۵
	۱۱	آذربایجان	-۱/۲۷	-۱/۴	-۱/۳۷	-۱/۲۵	-۱/۰۷
	۱۲	چاد	-۱/۶۱	-۱/۲۳	-۱/۲۲	-۱/۳۲	-۱/۸۱
	۱۳	نیجریه	-۱/۷۱	-۱/۶۵	-۱/۸۱	-۱/۷۳	-۱/۹۹
	۱۴	عراق	-۱/۹	-۲/۳۶	-۳/۰۷	-۲/۸۲	-۲/۹۱

جدول ۳ شاخص‌های حکمرانی در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۶ در برخی از کشورها

شاخص	ردیف	کشور	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
کارآمدی دولت	۱	ایسلند	۲/۰۱	۲/۲۳	۲/۲۳	۲/۲۲	۲/۱۳
	۲	سوئد	۲/۰۷	۲/۰۹	۲/۰۷	۱/۹۵	۲/۰۰
	۳	ژاپن	۱/۰۱	۱/۰۹	۱/۱۱	۱/۱۶	۱/۲۹
	۴	آمریکا	۱/۷۸	۱/۷۷	۱/۸۱	۱/۶۰	۱/۶۴
	۵	آلمان	۱/۷۹	۱/۴۸	۱/۴۳	۱/۵۱	۱/۵۲
	۶	قطر	۰/۶۷	۱	۰/۹۱	۰/۷۴	۰/۸۶
	۷	عربستان سعودی	-۰/۳۰	-۰/۳۱	۰/۳۳	-۰/۳۸	-۰/۲۸
	۸	اوکراین	-۰/۶۸	-۰/۵۶	-۰/۶۵	-۰/۴۱	-۰/۵۷
	۹	ترکیه	۰	۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۲۱	۰/۲۳
	۱۰	ایران	-۰/۵۴	-۰/۴۸	-۰/۵۵	-۰/۷۷	-۰/۸۰
	۱۱	آذربایجان	-۰/۸۵	-۰/۷۶	-۰/۸۵	-۰/۶۷	-۰/۷۰
	۱۲	چاد	-۰/۸۶	-۰/۸۵	-۱/۰۱	-۱/۲۱	-۱/۳۷
	۱۳	نیجریه	-۰/۹۸	-۰/۸۲	-۰/۹۴	-۰/۹۱	-۰/۹۶
	۱۴	عراق	-۱/۹۵	-۱/۶۰	-۱/۴۸	-۱/۶۵	-۱/۷۰
کیفیت قوانین	۱	ایسلند	۱/۴۴	۱/۶۳	۱/۶۹	۱/۶۵	۱/۶۲
	۲	سوئد	۱/۶۳	۱/۶۹	۱/۷۳	۱/۵۲	۱/۴۴
	۳	ژاپن	۰/۵۶	۰/۹۸	۱/۰۹	۱/۱۴	۱/۲۷
	۴	آمریکا	۱/۴۷	۱/۴۷	۱/۴۷	۱/۴۸	۱/۴۷
	۵	آلمان	۱/۵۶	۱/۵۲	۱/۴۲	۱/۳۶	۱/۳۹
	۶	قطر	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۳۳	۰/۴۵
	۷	عربستان سعودی	-۰/۰۹	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۰۲	-۰/۰۲
	۸	اوکراین	-۰/۶۴	-۰/۶۵	-۰/۵۳	-۰/۲۹	-۰/۴۷
	۹	ترکیه	۰/۰۸	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۱۶	۰/۲۱
	۱۰	ایران	-۱/۲۹	-۱/۱۲	-۱/۱۷	-۱/۴۸	-۱/۵۱
	۱۱	آذربایجان	-۰/۷۱	-۰/۶۰	-۰/۵۶	-۰/۵۱	-۰/۴۴
	۱۲	چاد	-۰/۸۲	-۰/۹۱	-۰/۸۷	-۱/۰۴	-۱/۱۵
	۱۳	نیجریه	-۱/۱۸	-۱/۱۲	-۱/۲۸	-۰/۹۲	-۰/۸۹
	۱۴	عراق	-۲/۲۰	-۱/۴۱	-۱/۶۰	-۱/۵۹	-۱/۴۶

جدول ۳ شاخص‌های حکمرانی در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۶ در برخی از کشورها

شاخص	ردیف	کشور	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
نقش قانون	۱	ایسلند	۱/۸۹	۱/۹۷	۲/۰۱	۲/۰۶	۲/۰۳
	۲	سوئد	۱/۸۲	۱/۸۸	۱/۸۷	۱/۷۹	۱/۸۶
	۳	ژاپن	۱/۳۲	۱/۳۲	۱/۳۴	۱/۳۵	۱/۴۰
	۴	آمریکا	۱/۵۷	۱/۵۵	۱/۴۸	۱/۵۳	۱/۵۷
	۵	آلمان	۱/۷۱	۱/۷۱	۱/۷۳	۱/۷۴	۱/۷۷
	۶	قطر	۰/۷۳	۰/۶۲	۰/۶۹	۰/۸۶	۰/۹۳
	۷	عربستان سعودی	۰/۲۱	۰/۲۸	۰/۲۶	۰/۱۸	۰/۱۷
	۸	اوکراین	-۰/۸۵	-۰/۸۶	-۰/۷۲	-۰/۵۷	-۰/۷۲
	۹	ترکیه	-۰/۱۶	۰	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰۸
	۱۰	ایران	-۰/۵۸	-۰/۵۶	-۰/۵۷	-۰/۷۸	-۰/۸۱
	۱۱	آذربایجان	-۰/۸۸	-۰/۸۴	-۰/۸۳	-۰/۸۱	-۰/۸۶
	۱۲	چاد	-۰/۸۴	-۱/۰۸	-۱/۱۰	-۱/۳۳	-۱/۳۶
	۱۳	نیجریه	-۱/۵۰	-۱/۶۶	-۱/۵۸	-۱/۴۰	-۱/۲۷
	۱۴	عراق	-۱/۵۲	-۱/۷۲	-۱/۹۳	-۱/۸۹	-۱/۹۵
کنترل فساد	۱	ایسلند	۲/۲۲	۲/۳۸	۲/۳۶	۲/۵۰	۲/۴۶
	۲	سوئد	۲/۲۵	۲/۲۱	۲/۱۷	۲/۱۰	۲/۲۴
	۳	ژاپن	۱/۱۳	۱/۰۷	۱/۱۶	۱/۲۵	۱/۳۱
	۴	آمریکا	۱/۹۰	۱/۷۴	۱/۷۶	۱/۵۷	۱/۳۰
	۵	آلمان	-۱/۰۷	-۰/۹۲	-۰/۷۵	-۰/۵۲	-۰/۳۶
	۶	قطر	۰/۸۸	۰/۶۹	۰/۷	۰/۸۲	۰/۸۳
	۷	عربستان سعودی	۰/۵۱	۰/۳۲	۰/۲۰	۰/۲۴	۰/۱۸
	۸	اوکراین	-۰/۹۸	-۰/۹۰	-۰/۹۲	-۰/۶۲	-۰/۶۷
	۹	ترکیه	-۰/۴۳	-۰/۲۴	-۰/۲۰	-۰/۰۵	۰/۰۶
	۱۰	ایران	-۰/۳۰	-۰/۳۴	-۰/۴۸	-۰/۵۰	-۰/۵۹
	۱۱	آذربایجان	-۱/۰۲	-۱/۰۲	-۱/۱۶	-۱/۰۲	-۰/۹۹
	۱۲	چاد	-۰/۹۲	-۱/۱۱	-۱/۱۴	-۱/۳۵	-۱/۱۸
	۱۳	نیجریه	-۱/۳۷	-۱/۲۴	-۱/۳۲	-۱/۲۳	-۱/۲۹
	۱۴	عراق	-۱/۴۶	-۱/۱۳	-۱/۴۷	-۱/۳۰	-۱/۴۰

Source: Kaufman Daniel, Aart kraay, 2007.

به طور کلی در بیشتر کشورهای توسعه یافته، به ویژه کشورهای مورد بررسی (ایسلند، آلمان، آمریکا، ژاپن و سوئد)، شاخص حکمرانی، خوب بوده و وضعیت مساعدی را نشان می دهد. اما در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، عراق، چاد، نیجریه و آذربایجان، شاخص های حکمرانی، وضعیت چندان مساعدی ندارند.

۴-۴ شاخص توسعه انسانی^۱

شاخص توسعه انسانی شاخص پیچیده ای است که موفقیت دولت را در دستیابی به توسعه انسانی به طور متوسط در سه زمینه نشان می دهد. این سه زمینه عبارتند از: طول عمر و سلامت زندگی، دسترسی به دانش و زندگی آبرومندانه. پایه این سنجش، امید به زندگی، نرخ باسوادی افراد و ترکیب نام نویسی در ابتدایی و تکمیلی، تولید ناخالص داخلی سرانه برحسب برابری قدرت خرید افراد (بر مبنای دلار آمریکا) است.^۲ این شاخص در سال ۲۰۰۵، برای ۱۷۷ کشور مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۴ به نتایج این شاخص در برخی از کشورها اشاره می کند. در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل هیچ گونه اطلاعاتی در این باره راجع به کشور عراق، بیان نشده است.

میزان این شاخص بین صفر تا یک متغیر است که هر چه به عدد یک نزدیک تر باشد، توسعه انسانی بالاتر است. براساس این جدول در کشورهای ایسلند، سوئد، ژاپن و آمریکا - که از جمله کشورهای پیشرفته به حساب می آیند - شاخص توسعه انسانی بالا بوده و به این ترتیب امید به زندگی در این کشورها بالاست؛ اما در کشورهای کمتر توسعه یافته، شاخص توسعه انسانی و امید به زندگی پایین بوده، به طوری که در چاد و نیجریه میانگین امید به زندگی پنجاه سال است. از نظر این شاخص، ایران جزء کشورهای با توسعه انسانی متوسط است و امید به زندگی در این کشور در سال ۲۰۰۵، ۷۰ سال و رتبه آن از میان ۱۷۷ کشور مورد بررسی، ۹۴ است.

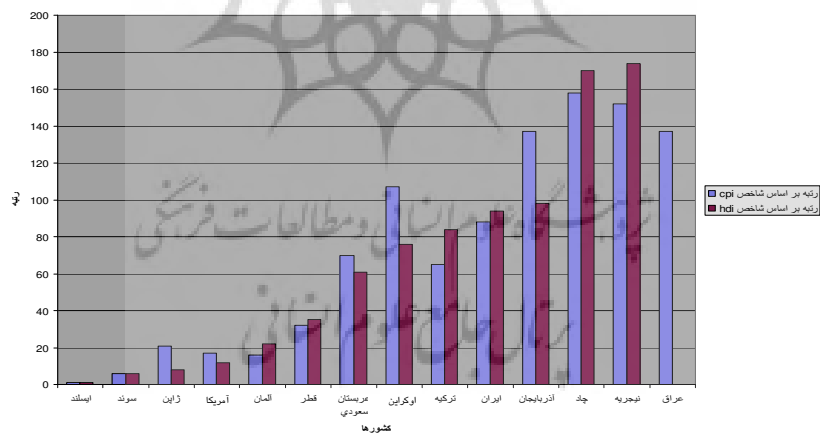
1. Human Development Index (HDI)

2. Human Development Report 2007-2008, p.2.

جدول ۴ شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۰۵ در برخی از کشورها

ردیف	وضعیت	کشور	شاخص سال	امید به زندگی	رتبه در سال
۱	کشورهای با توسعه انسانی بالا	ایسلند	۰/۹۶۸	۸۱/۵	۱
۲		سوئد	۰/۹۵۵	۸۱/۳	۶
۳		ژاپن	۰/۹۵۳	۸۲/۳	۸
۴		آمریکا	۰/۹۵۱	۷۷/۹	۱۲
۵		آلمان	۰/۹۳۵	۷۹/۱	۲۲
۶		قطر	۰/۸۷۵	۷۵	۳۵
۷		عربستان سعودی	۰/۸۱۲	۷۲/۲	۶۱
۸	کشورهای با توسعه انسانی متوسط	اوکراین	۰/۷۸۸	۶۷/۷	۷۶
۹		ترکیه	۰/۷۷۵	۷۱/۴	۸۴
۱۰		ایران	۰/۷۵۹	۷۰/۲	۹۴
۱۱		آذربایجان	۰/۷۴۶	۶۷/۱	۹۸
۱۲	کشورهای با توسعه انسانی ضعیف	چاد	۰/۳۸۸	۵۰/۴	۱۷۰
۱۳		نیجریه	۰/۳۷۴	۵۵/۸	۱۷۴
۱۴		عراق	-	-	-

Source: Human Development Report (2007-2008)



مأخذ: تحقیق نگارنده

نمودار ۱ مقایسه وضعیت کشورهای منتخب براساس شاخص‌های ادراک فساد و توسعه انسانی

(hdi و cpi) در سال ۲۰۰۵

از مقایسه نتایج این جداول و همچنین نمودار ۱ درمی‌یابیم کشورهایی که در شاخص‌های فساد، وضعیت بهتری دارند، در شاخص توسعه انسانی نیز از رتبه بالایی برخوردارند. که می‌توان کشورهای ایسلند، سوئد، آمریکا، آلمان و ژاپن را نام برد؛ اما در کشورهای مانند نیجریه، چاد و عراق که از نظر شاخص‌های فساد، رتبه مساعدی ندارند، در شاخص توسعه انسانی نیز از رتبه مطلوبی برخوردار نیستند. بنابراین براساس شواهد آماری موجود می‌توان میان فقر و فساد رابطه‌ای همسو تعریف کرد. به این ترتیب که در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته با درآمد سرانه و شاخص توسعه انسانی بالا از جمله آمریکا، آلمان، ژاپن، ایسلند و سوئد، شاخص‌های فساد و حکمرانی نیز وضعیت مناسب‌تری دارند. به علاوه گفتنی است کشورهایی با شاخص فساد پایین و محیطی سالم برای فعالیت و سرمایه‌گذاری، از شاخص حکمرانی و رشد اقتصادی مناسبی برخوردار بوده که به تبع آن درآمد سرانه افزایش یافته است. در نتیجه، این کشورها در فقرزدایی نیز موفق عمل کرده‌اند.

فساد ممکن است محیطی را ایجاد کند که موجب سقوط رژیم‌های سیاسی شده و بر ارائه خدمات اجتماعی تأثیر منفی بگذارد؛ چرا که فساد قیمت خدمات اجتماعی را افزایش داده و سطح عرضه آنها را پایین می‌آورد که این امر به نوبه خود کیفیت خدمات عمومی را کاهش داده و از این رو مردم به پرداخت مالیات تمایلی ندارند و فرار از مالیات رخ می‌دهد و یا اینکه توزیع ناعادلانه درآمد محقق خواهد شد. همچنین فساد با کاهش کیفیت امکانات زیربنایی موجود، کاهش درآمد دولت و کاهش بهره‌وری مخارج سرمایه‌ای، موجب کاهش رشد اقتصادی شده و در نتیجه فقر را به مرور زمان گسترش می‌دهد. از این رو فقر نیز می‌تواند باعث فساد شود، چرا که کشورهای فقیر قادر به تخصیص منابع مالی کافی برای تأسیس و تنفیذ نظام حقوقی و قضایی مؤثر نیستند و احتمال اینکه افراد نیازمند، اصول و معیارهای اخلاقی را راحت‌تر زیر پا بگذارند، بیشتر است.

بنابراین در تحلیل رابطه فقر و فساد و اینکه کدام یک علت و کدام یک معلول است، تفسیرهای بسیاری ارائه می‌شود. برخی معتقدند که فساد، معلول دو پدیده «فقر» و «تبعیض»

و این دو پدیده معلول «ناکارآمدی حکومت» است. همچنین، مشروعیت حکومت نیز با کارآمدی حکومت حفظ می‌شود (معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

از آنجا که تصمیم‌گیری اداری و سیاسی کارآمد، حکومت‌ها را قادر می‌سازد تا نیازهای مردم را برآورده سازند، یکی از مشکلات کشورهای جهان سوم آن است که این کشورها گرفتار نوعی دور باطل از مشروعیت پایین و عملکردهای ناکارآمد هستند و نیز اگرچه میان فقر و فساد رابطه مستقیمی وجود دارد؛ اما این رابطه کامل نیست؛ یعنی فساد، فقط زائیده فقر نبوده و فقر نیز فقط زائیده فساد نیست؛ بلکه این دو بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. به عبارت دیگر با ریشه‌کن کردن یکی از این دو، دیگری از میان نخواهد رفت؛ بلکه میزان آن کاهش می‌یابد (همان، ص ۱۹).

جمع‌بندی و پیشنهادها

امروزه فساد مهم‌ترین خطری است که ثبات حکومت‌ها را تهدید می‌کند؛ زیرا فساد اغلب به عنوان یک بیماری خطرناک، به سرعت از یک سازمان به سازمان دیگر و از یک نهاد به نهاد دیگر سرایت می‌کند؛ به طوری که تمام نهادهای موجود را دربرگرفته و به فروپاشی سیستم سیاسی حاکم می‌انجامد. بررسی یافته‌ها و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که فساد مالی موجب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی شده و کاهش بازدهی سرمایه‌گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. به علاوه فساد مالی می‌تواند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن، به سوی رانت‌ها و فعالیت‌های زیرزمینی سوق دهد و به این ترتیب موجب توزیع ناعادلانه درآمد و گسترش فقر در جامعه شود. همچنین گسترش فقر در یک جامعه، از عوامل گسترش و شیوع فساد در آن جامعه خواهد بود. شواهد آماری منتشر شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه‌یافته مانند آمریکا، آلمان، ژاپن و سوئد، شاخص‌های توسعه انسانی بالا و

شاخص‌های فساد بسیار پایین است؛ اما در کشورهای فقیر مانند چاد، نیجریه و عراق، شاخص‌های توسعه انسانی در وضعیتی بد و شاخص‌های فساد ارقام بالایی را نشان می‌دهند. به این ترتیب براساس نتایج و مطالعات انجام شده و شواهد تجربی، می‌توان همبستگی میان مقدار شاخص‌های فساد و حکمرانی را با مقدار شاخص توسعه انسانی حدس زد. به عبارتی وجود فساد بالا یا حکمرانی نادرست در یک ناحیه یا جامعه، به یقین تخصیص نادرست منابع را به دنبال دارد و در نتیجه، فرصت‌های رانتی ایجاد خواهد شد؛ از این رو توزیع درآمد نامناسب شده و فقر گسترش خواهد یافت. همچنین اگر در جامعه‌ای، شاخص‌های حکمرانی خوب باشد، بی‌تردید بر تخصیص منابع نظارت دقیقی اعمال خواهد شد و فرصت‌های رانتی کمتر ایجاد می‌شود. در این گونه جوامع که از شاخص‌های توسعه انسانی بالایی برخوردارند، درآمد سرانه افراد مناسب بوده و فقر در حد بسیار کمی وجود دارد (جوامع توسعه‌یافته) و انگیزه ارتکاب فساد، به دلیل عدم نیاز به انجام آن، بسیار کمتر است. با قبول این روابط در سیاست‌های مقابله با فقر یا فساد، می‌توان با دقت بیشتری عمل کرد؛ به گونه‌ای که برای مبارزه با یکی از آن دو، باید استراتژی مقابله با دیگری را نیز مدنظر قرار داد و همان گونه که نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد باید راهکارهای دوجانبه را برای رفع فقر و فساد در پیش گرفت. گفتنی است که نبود فساد یا فقر، دلیل بر نبودن دیگری نیست؛ اما از نظر شاخص‌ها کم بودن یکی از این دو پدیده، کم بودن دیگری را نیز به همراه دارد. اولین و مهم‌ترین عامل موفقیت در مبارزه با فساد، وجود عزم سیاسی قوی و حمایت کامل مقامات ارشد از برنامه مبارزه با فساد است. به علاوه، منزه بودن مجریان برنامه مبارزه با فساد، مهم‌ترین اصل در جلب اعتماد عامه مردم است. به این ترتیب با توجه به موارد بیان شده برخی از این راهکارها عبارت‌اند از:

۱. استفاده از تجارب کشورهای موفق در مورد مبارزه با فساد و ریشه‌کنی فقر،
۲. ساده و شفاف‌سازی قوانین حاکم بر سازمان‌ها، نهادها و سایر بخش‌ها،
۳. اجرای نظام مالیاتی کارآمد و توزیع عادلانه ثروت و درآمد در کشور،

۴. طراحی و تدوین یک برنامه جامع، بلندمدت و راهبردی برای مبارزه با فساد،
۵. تدوین و اجرای قوانین لازم درباره مبارزه با فساد و ریشه‌کنی فقر و انجام اصلاحات لازم بر سایر قوانین مرتبط،
۶. همکاری با سازمان‌ها و مؤسسات سنجش و مبارزه با فساد و فقر،
۷. اعمال نظارت و حسابرسی مستمر بر مشاغل و بخش‌های حساس مستعد فساد (فسادپذیر)،
۸. حذف انحصارها، تقویت بخش خصوصی، کوچک‌سازی دولت و از بین بردن کامل زمینه‌های رانت‌خواری و اجرای دقیق اصل ۴۴ قانون اساسی،
۹. ارائه گزارش منظم به مردم و در جریان امور قرار دادن آنها،
۱۰. تدوین یک نظام جامع مالی، حسابداری و حسابرسی فراگیر.

البته گفتنی است که تمام این موارد تا زمانی که به مرحله عمل و اجرا نرسد، تبلیغ و شعاری بیش نخواهد بود. در دستیابی به این اهداف، قبل از همه، حکومت مقتدر و اسلامی دخیل خواهد بود؛ زیرا فقط حکومت است که با فراهم کردن شرایط و امکانات زیربنایی برای این اهداف متعالی می‌تواند اولین گام‌های مبارزه با فساد و ریشه‌کنی فقر را بردارد و در مراحل بعد با ایجاد اعتماد میان مردم و حکومت، همکاری دولت و مردم به‌یقین مثمر خواهد بود. مبارزه با فساد مستلزم عزم ملی، خواست همگانی و جدیت حکومت و دولت است و بی‌تردید باید سازمان یافته، هماهنگ و برنامه‌ریزی شده با اهدافی مشخص و با همکاری مردم و دولت آغاز شود.

منابع و مأخذ

- سیف، احمد، ۱۳۷۶. *مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی*، تهران، نشر نی.
- خضری، محمد، ۱۳۸۴. «تحلیل نهادی فساد اداری»، فصلنامه *مطالعات راهبردی*، سال هشتم، شماره سوم، شماره مسلسل ۲۹.
- معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، «مکانیسم تأثیرگذاری فساد بر روی توسعه اقتصادی»، بهمن ۱۳۸۶.
- معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، «فساد، تبعیض و فقر موانع اساسی توسعه در ایران»، گزارش راهبردی، سال دوم، شماره ۴۳، آذر ۱۳۸۶.
- Chetwynd Eric, Frances Chetwynd and Bertran Spector, 2003. *Corruption and Poverty, A Review of Recent Literature, Management System Internatioanl*.
- Easterly, William, 2001. *The Elusive Quest for growth: Economists Adventures and Misadventures in the Topics*, Combridge, Mass: MIT.
- Eberlei Walter, Dip-okon. Bettina Fuhrmann, 2004. *Fighting Poverty and Corruption, Intergrating the Fight Against Corruption in to the PRS Process Analysis and Recommendations for Development Cooperation*, Division 12, Publisher: Deutsche Gesellschaft Fur, Eschborn.
- Kaufman, Daniel, Aart Krayy and Pablo Zoido _ Lobaton 1999 "Governance Matters. World Bank Policy Research Working Paper No. 219.
- Kaufman Daniel, Aart Kraay and Massimo Mastruzzi, 2007. *Governance Matters: Aggregate and Individual Governance Inticators 1996-2006*, The World Bank.
- Transparency International Bribe Payers Index (BPI), 2006. Analysis Report.
- Transparency International Bribe Payers Index (BPI), 2002. Analysis Report.
- Transperency Internatilonal Corruption Parception Index (CPI), 2007, Analysis Report, 2007 and 2006.
- Mauro, Paulo. 2002, "The Effects of Corruption on Growth and Public Expenditure Chapter 20 in Heidenheimer and Johonston 2002.
- United Nations Development Programm (UNDP) Human Development Report 2007/2008.